

دکتر دنیل کی. دارکو، رساله‌های زندان، جلسه ۲۴، نظارت بر راز بزرگ، افسسیان ۳

دن دارکو و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر دن دارکو هستم در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد رساله‌های زندان. این جلسه ۲۴، نظارت بر راز بزرگ، افسسیان ۳ است.

به مجموعه مطالعات کتاب مقدس ما خوش آمدید. فرصت فوق‌العاده‌ای بود که این مدت را با شما گذراندم و به رساله‌های زندان پرداختم.

همانطور که ممکن است تاکنون در گفتگویی‌مان مشاهده کرده باشید، ما در آخرین ساعت بحثمان، فصل دوم رساله به افسسیان را به پایان رساندیم. اکنون به فصل سوم می‌رویم و در فصل سوم، متوجه می‌شوید که من آیات ۱ تا ۱۳ را «نظارت بر راز بزرگ» می‌نامم. در ابتدای این فصل، پولس قصد دارد زبانی را که قبلاً در مورد راز مسیح به آن اشاره کرده بود، شرح دهد.

رازی که پولس در مورد آن بحث خواهد کرد، اکنون در حال آشکار شدن است. این راز به بحثی که ما در مورد وحدت در بدن مسیح داشتیم، که همان چیزی است که من آن را جامعه جدید نامیدم، بسیار مرتبط است. به زبان پولس، شاید باید متن را بخوانیم تا بتوانیم شروع به باز کردن آن کنیم.

بنابراین، بیایید به فصل ۳، آیات ۱ تا ۱۳ نگاهی بیندازیم. به همین دلیل، من، پولس، زندانی مسیح عیسی، به نمایندگی از شما غیریهودیان، با فرض اینکه شما درباره مباشرت فیض خدا که برای شما به من داده شده است، شنیده‌اید، لطفاً به کلمه مباشرت توجه کنید زیرا باید توضیح دهم که این به چه معناست، چگونه این راز از طریق وحی برای من آشکار شد.

همانطور که به طور خلاصه نوشتم، وقتی این را می‌خوانید، می‌توانید بینش مرا در مورد راز مسیح درک کنید، که در نسل‌های گذشته به بنی‌آدم آشکار نشده بود، آنطور که اکنون به رسولان و انبیای مقدس او به وسیله روح آشکار شده است. راز این است که غیریهودیان وارثان، اعضای یک بدن و شریکان یا سهیمان وعده در مسیح عیسی از طریق انجیل هستند. از میان آنها، من بر اساس موهبت فیض خدا که با عملکرد قدرت او به من عطا شده است، خادم شده‌ام.

اگرچه من از همه مقدسین کمتر هستم، اما این فیض به من عطا شد تا ثروت بی‌کران مسیح را به غیریهودیان بشارت دهم و نقشه آن راز پنهان شده در خدایی که همه چیز را آفریده است، برای همه آشکار کنم تا اکنون از طریق کلیسا، حکمت گوناگون خدا برای فرمانروایان و قدرت‌های آسمانی آشکار شود. این مطابق با هدف ابدی او بود که در مسیح عیسی، خداوند ما، تحقق یافت، که در او از طریق ایمانمان به او، جسارت و دسترسی با اطمینان داریم. بنابراین از شما می‌خواهم که از رنجی که برای شما می‌کشم، که جلال شماسست، دل‌سرد نشوید.

راز، سرپرستی راز بزرگ. من می‌خواهم با نگاهی به این ۱۳ آیه و تقسیم آنها به سه جلسه، به بررسی آنها بپردازم. ابتدا، به بخشی از این راز از آیات ۱ تا ۷، یعنی آشکارسازی راز، نگاهی خواهیم انداخت.

در آشکارسازی این راز، به این موضوع می‌پردازیم که پولس چگونه توضیح می‌دهد که چگونه این راز برای او آشکار شد. دوم، به مباشرت و آنچه که مستلزم آن است، خواهیم پرداخت. و سوم، به طور خلاصه به آیه نگاه خواهیم کرد، که چگونه پولس این را به رنج خود و نگرانی کلیسا برای او پیوند می‌دهد ۱۳.

اول، اجازه دهید با توضیح کلمه‌ای که به عنوان راز ترجمه شده است شروع کنم. پولس این کلمه را در جای دیگری یا در جای دیگری از هم‌ریشه آن استفاده کرده است. کلمه یونانی که در اینجا استفاده شده است، کلمه‌ای است که به طور سنتی ریشه در نحوه مدیریت خانواده دارد.

گاهی اوقات، این کلمه برای اشاره به نحوه مدیریت امور خانه توسط سرپرست خانواده یا همسرش به کار می‌رود. گاهی اوقات نیز، این کلمه برای سرپرست یک خانواده، به ویژه فرد ثروتمندی که مهاجرت می‌کند یا به مکان دیگری نقل مکان می‌کند و شخص دیگری را برای مدیریت امور خانه خود مأمور می‌کند، به کار می‌رود. کسی که آن امور خانه را اداره می‌کند، وظیفه چنین سرپرستی از مدیریت خانه را بر عهده دارد.

اگر یونانی می‌دانستید، متوجه می‌شدید که حتی ریشه این کلمه خاص، عنصر خانه را در خود دارد. اگر بخواهم بگویم، کلمه خواهر آن، کلمه‌ای است که ما کلمه اقتصاد را در انگلیسی از آن گرفته‌ایم تا بتوانیم بفهمیم که مدیریت یک خانه چگونه اتفاق می‌افتد. پولس گاهی اوقات از این استفاده می‌کند تا نشان دهد که چگونه کار خود را در رابطه با خدا درک می‌کند، اینکه خدا او را مسئول انجام یک کار مهم قرار داده است و بنابراین، از او انتظار می‌رود که در مورد چنین کار مهمی توضیح دهد.

مباشر یک مقام ممتاز است. این فقط یک وظیفه پست و حقیر نیست. یک مباشر می‌تواند امور خانه را با بردگان و تمام اتفاقاتی که در خانه می‌افتد، اداره و مدیریت کند. مباشر همچنین مسئول این امور است.

آیه ۱۳ این را اینگونه بیان می‌کند. به همین دلیل، پولس که به نمایندگی از شما غیریهودیان، برای مسیح عیسی زندانی است، با فرض اینکه شما از مباشرت فیض خدا که حتی در زندان به من داده شده است شنیده‌اید، پولس می‌گوید که او نقش خود را به عنوان یک مباشر، نه مباشر چیزی، بلکه مباشر فیض خدا، بر عهده می‌گیرد. آیا فصل ۲ را به خاطر دارید که در آن بر فیض خدا تأکید کرد؟ او همچنین گفت که مباشرت توسط خوانندگان یا مؤمنان در افسس و حومه آن به او داده می‌شود.

بگذارید کمی از روش‌های مختلف درک این کلمه را باز کنم. پولس گاهی اوقات از کلمه مباشرت، که در می‌گویند، به عنوان اداره یا برای اداره مقام رسالت خود به روشی که قبلاً توضیح oikonomia یونانی به آن دادم استفاده می‌کند تا به خوانندگان نشان دهد که او وظیفه خود را به عنوان کسی که وظیفه‌ای به او محول شده است، درک می‌کند. گاهی اوقات نیز، پولس آن را به روشی که احتمالاً یک سرپرست خانواده از آن استفاده می‌کند، به کار می‌برد، که در آن اداره جهان یا نجات توسط خدا موضوع مورد بحث است.

به این معنا، خود خداوند، رئیس عالی رتبه‌ای است که خلقت خود را مدیریت می‌کند. به یک خانواده و رئیس آن فکر کنید و اینکه چگونه خانواده مدیریت خانه را مدیریت می‌کند یا چگونه خانواده مدیریت خانه را به شخص دیگری واگذار می‌کند. این تصویری است که باید هنگام فکر کردن به این آزمون به ذهن شما خطور کند.

حالا که متوجه شدید مفهوم مباشرت چیست، بیاید بحث را در مورد چگونگی آشکار شدن این راز برای این مباشر آغاز کنیم. پولس بارها در مورد این راز صحبت خواهد کرد، بنابراین مهم است که شما بفهمید در اینجا چه اتفاقی می‌افتد. مکاشفه راز، پولس پیشگام و مباشر فیض خداست و این راز برای اوست که آشکار شد.

به عبارت مجهول اینجا توجه کنید. پولس می‌گوید که او این راز را به تنهایی کشف نکرده است. در آنچه ما آن را عبارت یونانی مجهول الهی می‌نامیم، پولس می‌نویسد که این وحی را دریافت کرده است.

به عبارت دیگر، یک مأمور الهی، شاید خدا، این راز را بر او آشکار کرد. خواهیم دید که او بعداً چگونه بی‌لیاقتی خود را وقتی از او خواسته شد کسی باشد که این راز را مدیریت کند یا آن را برای بقیه جهان آشکار سازد، توضیح می‌دهد. پولس این را درک می‌کند.

آنچه بر او آشکار می‌شود واقعاً عظیم است. محتوا زندگی را دگرگون می‌کند. جوامع و گروه‌های قومی مختلف را متحول می‌کند.

اگر پایان فصل ۲ را به خاطر داشته باشید، همانطور که در سخنرانی قبلی بحث کردیم، توجه شما را به این نکته جلب کردم که چگونه پولس در مسیح بیان می‌کند که آن دو گروه، یهودیان و غیریهودیان، یکی شده‌اند. چیزی در مورد این وحدت وجود دارد که پولس در رابطه با این راز، بیشتر در مورد آن به ما خواهد گفت. این راز از نسل‌های گذشته پنهان بوده است، و پولس این امتیاز را دارد که در گذشته از بسیاری دیگر پنهان بوده است، و اکنون برای او آشکار شده است.

چه نعمتی. و با این حال، چه افتخاری. محتوای این راز اکنون آشکار می‌شود.

بله، برای او، پولس، اما اکنون این [مطلب] توسط روح به رسولان و انبیا نیز آشکار می‌شود. شاید باید اینجا مکث کنم تا این را توضیح دهم. رسولان و انبیا در اینجا باید در پرتو عهد جدید درک شوند.

گاهی اوقات، دانش‌آموزان در اینجا اشاره به پیامبران را با پیامبران عهد عتیق اشتباه می‌گیرند. در عهد جدید، به نظر می‌رسد وقتی با عبارت «پیامبران و شریعت» مواجه می‌شویم، برای پیامبران، برای پیامبران عهد عتیق، معنای ضمنی داریم. کم‌کم می‌بینیم که این عبارت، عمدتاً معنای ضمنی عهد عتیق را خواهد داشت.

در اینجا، پولس به حواریون عیسی مسیح و شاید افرادی که به آنها موهبت نبوت داده شده است، اشاره می‌کند. شاید باید چیزی را در مورد موهبت نبوت روشن کنم. در اصطلاح کاریزماتیک مدرن، یک پیامبر می‌کند. می‌آید و آینده را پیش‌بینی می‌کند.

و گاهی اوقات، من آن را نگران‌کننده می‌نامم. نمی‌دانم شما چه فکر می‌کنید. برخی از این پیامبران چیزهایی گفته‌اند که آدم تعجب می‌کند: چرا خدا باید چنین چیزی را برای کسی آشکار کند؟ مثالی برایتان می‌زنم.

به من در مورد پیامبری گفته شد که در مورد یک خانم در جماعت و لباس زیر او و رنگ لباس زیر و اینکه آن چیست صحبت کرد و شروع به توصیف بسیاری از چیزهای دیگر کرد. من تعجب کرده‌ام که آن چیست. این نوع پیامبری نیست که افسسیان در مورد آن می‌نویسد یا من اینجا در مورد آن صحبت می‌کنم.

نبوت، اساساً، در هر دو عهد عتیق و جدید، به معنای پیشگویی یا پیشگویی است. یک پیامبر، به عنوان فرستاده خدا، که از موهبت و مأموریت برخوردار است، آنچه را که خدا به او وحی کرده است، برای مردم بیان می‌کند. و گاهی اوقات، این با برخی ویژگی‌های پیش‌بینی‌کننده برای مردم همراه است.

در عهد جدید، همانطور که در افسسیان، رومیان و اول قرن‌تیم می‌بینیم، به پیامبران توسط روح القدس موهبت داده می‌شود تا آنچه را که خدا به آنها می‌دهد، پیشگویی کنند، و اغلب آن را بیان کنند. آنها ممکن است عناصر پیشگویی داشته باشند، اما پولس در اول قرن‌تیم ۱۲ و ۱۴، بسیار نگران سوءاستفاده و کاربرد نادرست نبوت است و این موضوع را روشن می‌کند. در اینجا در افسسیان، منظور پولس جلب توجه ما به مبانی چگونگی آشکار شدن رازی است که خدا در مورد آن با رسولان و انبیا صحبت می‌کند.

تا جوهره حقیقی انجیل خداوند عیسی مسیح به جهانیان آشکار شود. مراقب پیامبران دروغین باشید زیرا آنها وجود دارند. پولس از این امر حمایت نمی‌کند.

و در اینجا، با ذکر آنها به عنوان افرادی که این راز را دریافت کرده‌اند، به هیچ وجه پیشنهاد نمی‌شود که شما امروز به سراغ برخی از این پیامبران که من آنها را پیامبران مشکوک می‌نامم بروید تا اجازه دهید از ترفندهای خود علیه شما استفاده کنند. راز واقعی در ادامه این مطالعه توضیح داده خواهد شد. این راز چندان جدید نبود.

پولس گفت که به طور خلاصه در مورد آن نوشته است. محققان اغلب این سوال را می‌پرسند که منظور از نوشتن به طور خلاصه «چیست؟ آیا این بدان معناست که او قبلاً نامه‌ای فرستاده بود؟ یا به این معنی» است که کلیسای افسس فرصت خواندن رساله کولسیان را داشته است؟ جایی که او به این راز نیز اشاره می‌کند. از همه نشانه‌ها، این بحث بیشتر و بیشتر به سمت این واقعیت متمایل می‌شود که پولس در فصل ۱ به این راز اشاره می‌کند و در مورد آن توضیح بیشتری نمی‌دهد.

بنابراین، به احتمال زیاد منظور او همین است. همانطور که او در ادامه توضیح می‌دهد، راز، اتحاد یهودیان و غیریهودیان است. به یاد دارید که در فصل ۲ گفت که آنها دیگر غریبه یا بیگانه نیستند، بلکه اعضای خانواده خدا هستند.

پولس گفت این چیزی است که هرگز برای همه نسل‌های گذشته شناخته شده نبود. اینکه خدا در مسیح یهودیان و غیریهودیان را گرد هم خواهد آورد و قدرت خود را نه تنها به جهانیان، بلکه به جهانیان نیز آشکار خواهد کرد. اینکه در جهانی که شکاف قومی-نژادی می‌تواند تنش‌های غیرضروری ایجاد کند، مردم این گروه‌های مختلف می‌توانند گرد هم آیند و با هم رفاقت کنند و یک میراث را به اشتراک بگذارند و همه در آن مشارکت در بدن مسیح سهیم باشند. پولس گفت این یک راز است.

این رازی است که آشکار نشده بود، اما اکنون آشکار شده است. به عبارت دیگر، وحدتی که او در فصل ۲ از آیات ۱۱ تا ۲۲ درباره آن صحبت کرد، بخش اساسی کار خدا در تاریخ بشر امروز است. اگر به یاد داشته باشید، وقتی در مورد فصل ۱، آیه ۱۰ صحبت می‌کردیم، به شما یادآوری کردم که چگونه پولس می‌نویسد که خدا همه چیز را، چه در آسمان و چه بر زمین، در مسیح خلاصه خواهد کرد.

او همه را در مسیح گرد هم خواهد آورد. این رازی است که پیش از این آشکار نشده بود. به پولس این وظیفه، این موقعیت ممتاز داده شده است تا دریافت کننده این راز بزرگ به عنوان هدیه‌ای از جانب خدا باشد.

به عبارت دیگر، او نمی‌توانست شایستگی این را داشته باشد که به عنوان مبشر یا پیام‌آور این راز انتخاب شود. همانطور که در چند دقیقه آینده خواهیم خواند، او شایسته این مقام نیست. در واقع، او به عنوان یک یهودی، مشکلات بیشتری ایجاد کرد.

او در واقع علیه گسترش و آشکار شدن این راز عمل کرد تا اینکه در جاده دمشق به ملاقات مسیح آمد. این فقط یک هدیه خداست. شاید بخواهید در مورد کلمه فیض که در افسسیان ۲، آیات ۸ تا ۱۰ در مورد آن صحبت می‌کنیم، فکر کنید.

وقتی پولس در آن سطور می‌گوید، این از روی لطف است. این از روی تلاش نیست. این موهبت خداست که هرگونه حس شایستگی یا هرگونه حس استحقاقی را که باعث فخر هر کسی می‌شود، برجسته می‌کند.

پولس می گوید که این راز به عنوان یک هدیه بر او آشکار شده است. او نمی تواند به خود ببالد زیرا لیاقت ندارد کسی باشد که چنین وظیفه ممتازی به او محول شده است. با همین روحیه است که او مباشرت خود را بسیار جدی خواهد گرفت.

او هنگام انجام و آشکار کردن این راز، از هویت خود کاملاً آگاه خواهد بود. این راز، یک راز معمولی نیست بلکه مطابق با عملکرد قدرتمند قدرت اوست.

و محتوای این راز برای ما بسیار مهم است که آن را با وضوح بالایی بیان کنیم. من در این مجموعه سخنرانی ها سعی کرده ام که زیاد از زبان یونانی استفاده نکنم. اما این یکی از محدود حوزه هایی است که نمی توانم جلوی خودم را بگیرم و حداقل به شما نگاهی اجمالی می اندازم که چگونه ترجمه ما لزوماً به ما در انتقال ساختار کلامی پولس در نحوه بیان محتوای این راز کمک نمی کند.

محتوای راز آیه ۶ این است. راز این است که غیریهودیان در مسیح عیسی از طریق انجیل، وارثان، اعضای یک بدن و در وعده او شریک هستند. اگر یونانی می دانید یا نمی دانید، فقط همین را توضیح می دهم.

در آیه ۶، وقتی می گوید «وارثان»، از یک کلمه مرکب استفاده می کند تا نه تنها دو نفر را که می توانند با هم ارث ببرند، بلکه افرادی را که به هم گره خورده اند، نشان دهد تا با استفاده از کلمات مرکب، بر نزدیکی تأکید کند. به همین ترتیب، وقتی در مورد یک بدن صحبت می کند، از یک کلمه مرکب دیگر استفاده می کند تا در واقع بر نزدیکی و یکسانی بدن تأکید کند. وقتی در مورد افرادی که سهیم هستند صحبت می کند، او همچنان از یک عبارت مرکب برای افرادی که از طریق انجیل، سهیم وعده در مسیح عیسی هستند، استفاده می کند.

نکته ی پولس این است که یهودیان و غیریهودیان اکنون یکی هستند و کاملاً یکی هستند، همانطور که او در مورد میراث آنها در خدا فکر می کند. پولس نکته ی دیگری را مطرح می کند و آن این است که در این راز و در ماهیت آشکار این راز، هم یهودیان و هم غیریهودیان اعضای یک بدن هستند. آنها اعضای گروه های مختلف بدن نیستند که زیر یک چتر یک بدن بزرگ قرار می گیرند، بلکه آنها به یک بدن تعلق دارند و به معنای نزدیک به کلمه ی وعده، با هم شریک هستند.

در مورد محتوای این راز، غیریهودیان در وعده سهیم هستند. این سهیم بودن به این معناست که آنها در وعده روح سهیم هستند. من قبلاً در کتاب پولس، و همچنین در اعمال رسولان، به شما اشاره کردم که این واقعیت که یهودیان و غیریهودیان همگی از تجربه یکسانی مانند پنتاکل بهره مند می شوند، بخش عمده ای از این است که پولس می خواهد آنها جایگاه خود را در مسیح درک کنند.

من از نحوه بیان این موضوع توسط یکی از همکارانم خوشم می آید. بنابراین، راز، وحدت یهودیان و غیریهودیان در پرستش خدای واحد نیست، بلکه برابری آنها با یکدیگر است. بنابراین، رازی که برای مردم، نسل های دیگر ناشناخته بود و اکنون آشکار شده است، این است که در مسیح عیسی و از طریق انجیل، مسیحیان غیریهودی با مسیحیان یهودی، اعضای کاملاً برابر قوم خدا هستند.

در این چارچوب است که پولس به صحبت در مورد ماهیت مباشرت خود ادامه خواهد داد. او از آیه ۸، خواهد نوشت: «برای من، من از همه مقدسین کوچکترین هستم.» این فیض عطا شد تا به غیر یهودیان ثروت بی کران مسیح را موعظه کند و برای همه روشن سازد که نقشه آن راز که قرن ها در خدایی که همه چیز را آفرید، پنهان بوده چیست تا اکنون از طریق کلیسا، حکمت گوناگون خدا بر حاکمان و قدرت های آسمانی آشکار شود.

این مطابق با هدف ابدی بود که او در مسیح عیسی، پروردگار ما، تحقق بخشیده است، که در او از طریق ایمان به او، جسارت و اعتماد به نفس داریم. بنابراین، بیایید نگاهی دقیق‌تر به مباشرت و آنچه در بر دارد، بیندازیم. پولس این واقعیت را برجسته خواهد کرد که مباشر بودن یک امتیاز است و این به یک نماینده، به کسی که از همه کمتر است، می‌رسد.

کلمه‌ای است که پولس ابداع کرده است زیرا کلمه‌ای است که «for the least»، در واقع، این عبارت یونانی در هیچ جای دیگری پیدا نمی‌کنیم. در واقع به معنای کمترین کمترین‌هاست. تصور کنید

تصور کنید که پولس از بی‌ارزش بودن خود آگاه بود. اینطور نیست که پولس بگوید یا حس فروتنی کاظمی نشان دهد که او فقط بی‌ارزش است. می‌دانید مردم چطور می‌گویند متاسفم در حالی که منظورشان این نیست که متاسف هستند؟ می‌دانید مردم چطور سعی می‌کنند، به زبان من، این چیزی است که ما به آن اوکرامای می‌گوییم. آهومبراسی، که به معنی فروتنی سگ است، فقط برای اینکه وانمود کنند که اینطور هستند، در حالی که در واقع از آن به عنوان طعمه برای گرفتن آنچه از شما می‌خواهند استفاده می‌کنند.

این چیزی نیست که اینجا مورد بحث باشد. پولس خود را در ارتباط با این راز بزرگی که خدا آشکار می‌کند می‌بیند و متوجه می‌شود که او آنقدر بی‌لیاقت است که حامل این پیام باشد. به همین دلیل است که او خود را به عنوان کمترین کمترین‌ها توصیف می‌کند.

با آگاهی از اینکه او کیست و چگونه زندگی خود را گذرانده است، و اینکه اگر خدا به دنبال کسی برای انجام چنین کار مهمی بود، نمی‌توانست کسی مانند پولس را پیدا کند، کسی که شایسته چنین مباشری نیست. اما پولس گفت که من را انتخاب کرده است. به همین دلیل، او بسیار خوشحال است که حتی در زندان مباشر این پیام باقی مانده است.

دیوارهای زندان هیچ تغییر فکری یا حس امتیازی ایجاد نکرده‌اند که پولس باید نماینده انجیل خداوند عیسی مسیح باشد. پیام به غیریهودیان، انجیلی که می‌گوید در مسیح عیسی، یهودیان و غیریهودیان هم‌زمین هستند. زمان‌بندی.

پولس، در مورد مباشرت، می‌گوید: «در واقع، این امر برای قرن‌ها در خدا پنهان بود، اما اکنون او کسی است که این امر بر او آشکار شده است. به همین دلیل است که او اعلام مژده و روشن کردن نقشه این راز برای همه مردم، و آشکار کردن حکمت خدا حتی برای فرمانروایان و قدرت‌ها را افتخار بزرگی می‌داند.» در اینجا مکث می‌کنم و سعی می‌کنم برخی موارد را بیشتر توضیح دهم.

آنچه پولس در اینجا می‌گوید این است. وقتی به او که نالایق بود، این راز که قرن‌ها در خدا پنهان بود، داده شد، وظیفه این هدف آشکار به او داده شد: اعلام مژده و آشکار کردن نقشه این راز. تا جایی که وقتی یهودیان و غیریهودیان در کلیسا با هم متحد هستند، حضور آنها در اتحاد، ضربه‌ای به فرمانروایان و قدرت‌ها در قلمروهای آسمانی وارد می‌کند.

به این فکر کنید. من در بخش ابتدایی این بحث در مورد افسسیان، در مورد قلمروهای آسمانی به شما اشاره کردم. این یک مفهوم خاص است.

آسمانی، جهانی غیرمادی است. جهانی روحانی است. جهانی نامرئی که در آن ارواح خوب و بد وجود دارند.

در آن قلمرو، خدا حکومت خود را اعمال می‌کند و اتفاقاتی که در آن قلمرو رخ می‌دهد می‌تواند تأثیر مستقیمی بر زندگی انسان در کیهان‌شناسی باستان داشته باشد. پولس گفت این قدرت‌ها، اگر می‌خواستند

مانع پیشرفت انجیل شوند، شکست خوردند. بنابراین، وقتی یهودیان و غیریهودیان با هم زندگی می‌کنند، دقیقاً همان چیزی است که آنها نمی‌خواهند.

و این ضربه بزرگی برای آنها می‌شود. اجازه دهید آیات ۹ و ۱۰ را بخوانم که در واقع این موضوع را به روشنی بیان می‌کنند. و برای همه، نقشه رازی را که قرن‌ها در خدا پنهان بوده است، روشن کنم، خدایی که همه چیز را آفرید تا از طریق کلیسا، حکمت گوناگون خدا اکنون برای حاکمان و قدرت‌های قلمروهای آسمانی آشکار شود.

از آنجایی که کلیسا در وحدت وجود دارد، از آنجایی که یهودیان و غیریهودیان به عنوان اعضای یک بدن، وارثان و سهام‌داران وعده عمل می‌کنند، و مردم خارج از کلیسا هیچ تمایزی بین یهودیان و غیریهودیان نمی‌بینند از آنجایی که آنها به این شکل وجود دارند؛ آنها در واقع پیامی قدرتمند را به ریاست‌ها و قدرت‌ها منتقل می‌کنند. وای! صحبت از مقابله با جنگ معنوی است. آیا می‌دانید وقتی کلیسا محکم و قوی متحد است، قدرت‌های معنوی شیطانی سنگرهای خود را از دست می‌دهند؟ منظور پولس در اینجا همین است.

آنها می‌خواهند بیایند و نابود کنند. آنها می‌خواهند بیایند و تفرقه ایجاد کنند. آنها می‌خواهند بیایند و بر تفاوت‌های ما در مسیح، که صلح ماست و آمده است تا صلح را اعلام کند، تأکید کنند.

ما یکی هستیم، و همانطور که پولس می‌گوید، همانطور که در بدن مسیح با هم زندگی می‌کنیم، با حاکمان و قدرت‌ها در قلمروهای آسمانی برخورد می‌شود و آنها خوشحال نیستند. آنها خوشحال نیستند زیرا اهدافشان محقق نشده است. آیا می‌دانید، و من این را در انتهای این مجموعه سخنرانی در مورد افسسیان مطرح خواهم کرد، کلیسایی که در یکدلی زندگی می‌کند یکی از بزرگترین ضرباتی است که می‌توانیم به دنیای معنوی شیطانی وارد کنیم؟ آیا متوجه هستید که وقتی در صلح زندگی می‌کنیم و انتخاب می‌کنیم که در صلح زندگی کنیم، دسترسی و نفوذ موجودات معنوی شیطانی را انکار می‌کنیم؟ برعکس، آیا می‌دانید وقتی اجازه می‌دهیم قومی، نژادی و هر چیزی که می‌خواهیم به آن استناد کنیم، قبیله‌ای، در جامعه قوم خدا تقسیم شود، به ریاست‌ها و قدرت‌ها دسترسی می‌دهیم، یا آنها را خوشحال می‌کنیم که ببینند کلیسای مسیح آنطور که قرار است عمل نمی‌کند؟ رازی که هنگام عمل، وقتی یهودیان و غیریهودیان از طریق کلیسا با هم هستند، برای پولس آشکار شد، او حکمت چندگانه خدا را آشکار می‌کند.

همانطور که پیتر ابرایان در تفسیر خود بر رساله افسسیان می‌نویسد، پولس در حالی که در مورد مأموریت خود برای تبلیغ مسیح به غیریهودیان تأمل می‌کند، از امتیاز فوق‌العاده‌ای که به او داده شده است، با استفاده از عبارتی چشمگیر که در آن نه به ریاکاری می‌پردازد و نه خود را تحقیر می‌کند، شگفت‌زده می‌شود. او نشان می‌دهد که چقدر عمیقاً از بی‌لیاقتی خود در برابر فیض سرشار مسیح آگاه است، ببخشید که در اینجا اشتباه نوشتم. از نظر من، من از کمترین قوم خدا هم کمترم. آیا این فیض داده شده است؟

اسنوگراس با توجه به ضربه‌ای که به حکومت‌ها و قدرت‌ها وارد شد، این موضوع را اینگونه بیان کرد. افسسیان ۳:۱۰ نقشی والا و کیهانی به کلیسا اختصاص می‌دهد. کلیسا مجرایی است که از طریق آن حکمت خدا به حاکمان و قدرت‌ها در قلمروهای آسمانی نشان داده می‌شود.

ابراین اضافه می‌کند که اکثر مفسران معتقدند که پولس نه بشارت و نه اقدام اجتماعی و نه هیچ فعالیت اضافی دیگری از سوی قوم خدا را در نظر داشته است. در عوض، از طریق کلیسا، این نشان می‌دهد که هر وجودی از این جامعه جدید چند نژادی با یهودیان و غیریهودیان در یک بدن واحد گرد هم آمده است، که تجلی حکمت غنی خداوند است. حضور آن وسیله‌ای است که خداوند خود از طریق آن حکمت غنی و متنوع خود را به قدرت‌ها آشکار می‌کند.

وای. به این فکر کردی؟ من اغلب وقتی این متن را می‌خوانیم، واکنش‌هایی دریافت می‌کنم و معمولاً از دانش‌آموزان می‌پرسم آخرین باری که به این واقعیت فکر کرده‌اند که زندگی در اتحاد با دیگر مسیحیان ضربه‌ای به قدرت‌ها و حکومت‌ها در قلمرو معنوی است، کی بوده است؟ خب، شاید به این دلیل به آن فکر نمی‌کنیم که در مسیحیت مدرن، اغلب این چیزها را در درجه دوم اهمیت قرار می‌دهیم؛ آنها را فرعی می‌دانیم. ما به قلمرو معنوی به عنوان بخشی از جهان خود فکر نمی‌کنیم.

در زندگی دعایی شخصی‌ام، از دعا کردن در مورد این جمله که عیسی تعلیم داد، دست نکشیده‌ام: ما را از شریر رهایی بخش، زیرا خود عیسی وجود شریر را واقعی می‌دانست. در واقع، در آغاز خدمتش، او توسط شریر وسوسه شد.

در یوحنا ۱۷، او دعا می‌کند که خدا از پیروانش محافظت کند و آنها را در برابر نقشه‌ها و نفوذ شیطان متحد نگه دارد. اینجا در افسسیان، وقتی کلیسا متحد می‌ماند، آنها علیه شیطان می‌جنگند. اگر اجازه دهید این را به کار ببرم، به کلیسای خود نگاه کنید و پرسید که آیا روح خدا را در حال کار می‌بینید یا اینکه درهایی برای قدرت‌های معنوی شیطانی باز می‌شود تا بر آنچه اتفاق می‌افتد تأثیر بگذارند یا از آن شاد شوند.

اما جایی که روح وحدت وجود دارد، آنها خوشحال نیستند. دفعه قبل که در کتاب اعمال رسولان بررسی کردم، وقتی مقدسین با هم در یکدل، در یک روح بودند، دعا می‌کردند و اتفاقاتی می‌افتاد. آنها خدمت می‌کنند و خدا جلال می‌یابد.

آنها کارها را با هم انجام می‌دهند و اتفاقات زیادی رخ می‌دهد و بعد از هر حادثه به ما گفته می‌شود که از یکدلی، یک روح، اتحاد یاد می‌شود و آنها درباره رشد صحبت می‌کنند. افسسیان درست می‌گویند. خب، حتی قبل از اینکه ما این قضاوت را انجام دهیم، پولس می‌گوید که این یک واقعیت است که از طریق کلیسا، خدا قدرت خود را به ریاست‌ها و قدرت‌ها آشکار می‌کند.

خداوند از طریق کلیسا، حکمت خود را به قدرت‌های آسمانی آشکار می‌کند. این مطابق با هدف ابدی او برای کار مسیح است. این تصادفی نیست.

با این اوصاف، مسیحیان یا مؤمنان می‌توانند در دسترسی خود به خدا، جسارت و آزادی پیدا کنند، نه اسارت و ترس. من آن دو کلمه‌ای را که پولس در این عبارت، به ویژه در آیه ۱۲، به کار می‌برد، دوست دارم. در کسی که ما از طریق ایمانمان به او، جسارت و دسترسی با اطمینان داریم.

در واقع، کلمه‌ای که او در یونانی کلاسیک برای جسارت به کار می‌برد، همان کلمه‌ای است که شما برای سخنرانی عمومی یا آزادی بیان به کار می‌برید. آزادی‌ای که فرد بدون مانع یا ارباب برای بیان و ابراز دیدگاه در واقع برای parousia خود دارد. در کلیسای اولیه، مانند کتاب اعمال رسولان، به عنوان مثال، کلمه انتقال جسارت در اعلام انجیل خداوند عیسی مسیح استفاده می‌شود.

وقتی کلیسا با هم کار می‌کند و قدرت خدا را در مسیح آشکار می‌کند، در این مسیح، می‌توانیم از طریق ایمان، جسارت و دسترسی پیدا کنیم. ما مغلوب ترس نخواهیم شد.

یا ترس از ارباب ناشی از قدرت‌های شیطانی است، یا ترس یا ارباب ناشی از آنچه جامعه می‌خواهد بر ما تحمیل کند. ما می‌توانیم نترس باشیم.

آیا می‌دانید ترس یکی از چیزهایی است که مانع از انجام خواسته‌های خدا می‌شود؟ کسی گفته است که در کتاب مقدس ۳۶۵ مورد «نترس» وجود دارد. من نمی‌دانم که آیا این دقیق است یا نه، چون بررسی نکرده‌ام.

اما اگر این درست باشد، پس یک ترس وجود دارد، نه هر روز، بلکه در طول یک سال. نکته این است که ممکن است هر روز ترسی وجود داشته باشد که باید بر آن غلبه کرد. منظور پولس در اینجا این است که برای کسانی از ما که در مسیح هستیم، دلیلی برای زندگی در ترس وجود ندارد.

اگر این سخنرانی‌ها را از آمریکای لاتین یا آفریقا دنبال می‌کنید، بگذارید مستقیماً با شما صحبت کنم. نیازی نیست از دژهای شیطانی یا جادوگری بترسید. اگر ایمانتان به مسیح محکم و قوی باشد، نیازی نیست اجازه دهید ترس از آسیب دیدن توسط همه این نیروهای شیطانی شما را آزار دهد.

من این را با شما به اشتراک می‌گذارم چون خودم آن را امتحان کرده‌ام. من آن را امتحان کرده‌ام و می‌دانم که درست است. بله، همانطور که از مکالمه قبلی متوجه شدید، من در یک روستا بزرگ شدم، جایی که این واقعیت دارد.

ناکارآمدی در زندگی ما، همانطور که مسیح ما را به آن فراخوانده است، همانطور که با برادران و خواهرانمان در مسیح در صلح زندگی می‌کنیم. تا زمانی که جایگاه ما با مسیح محکم باشد، هیچ قدرتی نمی‌تواند در برابر ما قد علم کند و موفق شود. جایی نزد شاهزاده صلح پیدا کنید.

جایی نزد او که آرامش ماست، پیدا کنید و نگذارید ترس شما را در راه رفتن با مسیح فلج کند. از طرف دوستانم که این را در دنیای غرب دنبال می‌کنند، مرا ببخشید. این برای شما منطقی نیست یا ممکن است منطقی نباشد، اما این دنیای برادران و خواهران ماست که خارج از دنیای غرب زندگی می‌کنند.

مسیح آمد تا بر این قدرت‌های شیطانی غلبه کند و به ما پیروزی عطا کند. این راز بر پولس آشکار شد و در آشکار شدن این راز، ما به این انجیل خداوند عیسی مسیح دسترسی پیدا کرده‌ایم. قدرت انجیل این است که نه در تقدس و پارسایی، بلکه در اجتماع زندگی کنیم، با یکدیگر در صلح باشیم و آن حس همشهری بودن، شریک بودن و اعضای یک بدن بودن را تجربه کنیم.

پولس، در این یادداشت، آن پاراگراف خاص را به پایان می‌رساند تا به آنها یادآوری کند که ارزش همه این سختی‌ها را دارد. منظورم این است که او به خاطر همه این چیزها در زندان است و ارزشش را دارد که به خاطرش در زندان باشد. بنابراین، از شما می‌خواهم که از رنجی که من برای شما می‌کشم و مایه جلال شماست، دل‌سرد نشوید.

بر این اساس، به شما می‌گویم که آرام باشید و استراحت کنید، چون می‌دانید چیست؟ من در جای خوبی هستم. من برای یک هدف خوب آنجا هستم. نمی‌خواهم حتی یک لحظه هم احساس ناامیدی کنید، چون من در جای بسیار خوبی هستم. آیا اکنون مدیریت راز خدا را درک می‌کنید؟ برای پولس، این اتحاد یهودیان و غیریهودیان است. برای پولس، این یک تلاش مهم و ممتاز است و یک رسالت ممتاز به او داده شده است.

برای پولس، مهم است که کلیسا بدانند نحوه زندگی مشترک آنها نه تنها صلح را در جامعه افزایش می‌دهد، بلکه پیامدهای معنوی نیز دارد. از آنجا، او این سطور را که می‌خواهم برای شما بخوانم، به ما خواهد داد: آیات ۱۴ تا ۲۱. به همین دلیل، زانو می‌زنم در برابر پدر، که هر خانواده‌ای در آسمان و زمین از او نامگذاری شده است، تا بر اساس غنای جلال خود، به شما عطا کند که از طریق روح خود در وجود درونی خود با قدرت تقویت شوید، تا مسیح از طریق ایمان در قلب‌های شما ساکن شود، تا شما، که در عشق ریشه دوانده و استوار شده‌اید، قدرت داشته باشید که با همه مقدسین، عرض و طول و ارتفاع و عمق را درک کنید، و عشق مسیح را که فراتر از دانش است بشناسید، تا از تمام کمال خدا پر شوید.

اکنون، بر او که قادر است بر اساس قدرتی که در ما کار می‌کند، بسیار فراتر از هر آنچه ما می‌خواهیم یا فکر می‌کنیم، عمل کند، جلال بر او باد در کلیسا و در مسیح عیسی، در تمام نسل‌ها، تا ابدالآباد. آمین. پولس در ادامه توضیح خواهد داد که چگونه این امر در یک شفاعت آشکار خواهد شد.

و فقط امیدوارم نگاهی کلی به این شفاعت به شما بدهم، تا وقتی به سخنرانی بعدی برمی‌گردیم، آن را به طور کامل بررسی کنیم و در بحث بعدی به آن پردازیم. در این شفاعت برای جامعه، در واقع متوجه خواهیم شد که پولس، رسول خداوند عیسی مسیح، به وضوح موضع خود، که همان نگرش اوست، را بیان خواهد کرد. او هدف شفاعت خود را نشان خواهد داد و محتوای دعای خود را با وضوح بیان خواهد کرد.

پولس می‌گوید، ببخشید، تا جایی که به وضعیت بدن مربوط می‌شود، او با فروتنی تمام در مقابل خدا می‌آید و به زانو درمی‌آید. او به زانو درمی‌آید. اوای. او به زانو درمی‌آید.

هدف دعای شفاعت او این است که به پدر دعا می‌کند. باز هم، نمی‌خواهم با ناکارآمدی زبان خویشاوندی شما را به دردسر بیندازم، اما او به پدر دعا می‌کند. و این پدر است که هر خانواده‌ای در آسمان و زمین نام خود را از او می‌گیرد.

صحبت او در مورد خدا، که هر خانواده نام خود را از او دریافت می‌کند، به این معنی است که او کسی است که به طور کلی قدرتمند است. ما در مباحث انسان‌شناسی می‌گوییم که نام‌گذار کسی است که صلاحیت هویت‌بخشی دارد. بنابراین، اینکه هر خانواده از او نام برده می‌شود، به این معنی است که او همه را آفریده است، و بنابراین، او قدرت شناسایی آنها را با نام دارد، یا می‌تواند نام را به دیگران واگذار کند همانطور که در بخش نامگذاری آن می‌بینیم، همانطور که در پیدایش می‌بینیم، زمانی که به بشر قدرت نامگذاری داده شد.

اما این پدر است که هر خانواده‌ای از او نام می‌گیرد. من در جای دیگری استدلال کرده‌ام که اینجاست که مسیحیان باید مراقب باشند. ما باید مراقب باشیم که قبل از اینکه به مردم فرصت آمدن به سوی مسیح را بدهیم، آنها را به جهنم نفرستیم.

وقتی پولس درباره خدای پدر صحبت می‌کند، کسی که هر خانواده‌ای از او نام می‌برد، منظور این است که او خدای حاکم بر تمام آفرینش است. او خدایی است که به غیرمؤمنان علاقه دارد و آرزویش این است که همه آنها مسیح را به عنوان خداوند و نجات‌دهنده خود بشناسند. در افسسیان، پولس هرگز غیرمؤمنان را محکوم و آنها را به جهنم محکوم نکرد.

، او تضاد بین دنیای بی‌ایمان و دنیای مسیحی را نشان می‌دهد و امتیازاتی را که ما هنگام شناخت مسیح داریم نشان می‌دهد، زیرا او می‌خواهد در را برای آن بی‌ایمان باز بگذارد، صرف نظر از اینکه آن شخص کیست و از کجا آمده است. آنها می‌توانستند قبل از ملاقات با مسیح، بدتر از پولس باشند. پولس می‌خواهد در را برای آنها باز کند تا فیضی را که خدا از طریق ایمان به مسیح عیسی ارائه می‌دهد، بپذیرند.

او به پدری دعا می‌کند که هر خانواده نام و محتوای دعایش را از او دریافت می‌کند. او دعا می‌کند که خدا از ثروت جلال خود عطا کند. نمی‌دانم قبلاً به شما گفته‌ام یا نه، شاید ایده خوبی باشد که در کتاب مقدس خود برای افسسیان، زیر کلمه ثروت خط بکشید، زیرا در این صورت متوجه می‌شوید که در واقع به یک خدای ثروتمند خدمت می‌کنید، اما نه خدای ثروتمند، آنطور که واعظان رفاه دوست دارند بگویند.

او دعا می‌کند که شما، یعنی کلیسا، تقویت شوید و دعا می‌کند که آنها از تمام کمال خدا پر شوند. حال به این سه نکته کلیدی توجه کنید زیرا در این مجال، فضای کافی برای بررسی همه آنها وجود نخواهد داشت. من می‌خواهم که شما به این جنبه‌های کلیدی دادخواست فکر کنید.

وقتی در سخنرانی بعدی مان برگردیم، می‌خواهم درخواست برای اجابت، درخواست برای تقویت و درخواست برای اجابت را بررسی کنم. ممکن است متوجه الگویی در نامه‌های پولس شوید که تاکنون به آن پرداخته‌ایم. پولس فقط به مردم نمی‌گوید که خدا برای آنها چه کرده است.

پولس نه تنها مردم را به زندگی‌ای که شایسته انجیل یا شایسته رسالتشان است، آنطور که در کتاب‌های مختلف در رساله‌های زندان از این عبارت استفاده می‌کند، فرا می‌خواند، بلکه برای مردم دعا می‌کند. او نیت خود و آنچه را که می‌خواهد خدا برای این مردم محقق کند، آشکار می‌کند. در اینجا، او آرزو می‌کند که درخواستی که از جانب ثروت جلال خدا در پیشگاه خدا مطرح می‌کند، به آنها اعطا شود.

این کلمه می‌تواند به عنوان افتخار ترجمه شود. در مورد ضعف، اگر آنها ممکن است وضعی پیدا کنند، او دعا می‌کند که آنها در حالت انفعالی، آنچه ما آن را حالت انفعالی الهی می‌نامیم، تقویت شوند، تا خدا آنها را تقویت کند، و اگر حتی از درون چیزی کم دارند، از کمال مسیح پر شوند. پولس نه تنها یک مباشر است. او دعا می‌کند که خوانندگانش و همه دیگران نیز بدون استفاده از کلمه مباشر، مباشرینی وفادار باشند، و او این جلسه را با دعای خیر فراوان به پایان می‌رساند و بهترین‌ها را برای این افراد انتظار دارد.

می‌خواهم از شما به خاطر دنبال کردن این مجموعه سخنرانی‌ها در مورد افسسیان تشکر کنم. نمی‌دانم آیا شما هم مثل من که در مورد چگونگی درک خودم از عظمت کارهای خدا، چگونگی رفتارم در چارچوب انتظارات خدا از خودش و آمادگی‌ام برای دعا یا حمایت از برادران و خواهران در مسیح در آرزوی مشترکمان برای جلال دادن خدا در هر کاری که انجام می‌دهیم، با چالش مواجه هستید یا نه.

باشد که خداوند شما را برکت دهد و همچنان شما را آگاه سازد. امیدوارم تا اینجا چیزی یاد گرفته باشید، یا به عبارت دیگر، رشد خود را با مسیح عیسی غنی‌تر کرده باشید. باشد که ما به عنوان برادران و خواهران در مسیح به یادگیری با هم ادامه دهیم.

خیلی ممنونم. خدا شما را حفظ کند.

من دکتر دن دارکو هستم در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد رسائل زندان. این جلسه ۲۴، نظارت بر راز بزرگ، افسسیان ۳ است.